

آینه



منتظر آن صدای باشکوه ماندیم

فیاض زاهد، سخنان کاندیدای پیروز انتخابات دوم خرداد مبنی برکرامت انسان، قانونمداری، اصالت انسان و آزادی درگوش مردم این سامان پژواک همهٔ آموزه‌هایی بود که پس از مشروطه ایران مرتب از سوی آزادیخواهان، دینداران و نوگرایان و تحول‌خواهان مطرح می‌شد. این خواسته دوم خرداد را در ایران متولد کرد. اگر امروز از خود ببرسیم آیا آن مطالبات، آن خواسته‌ها، آن گفتمان‌ها و رویاها و آرزوهایی که جامعه ایران را از مشروطه با خود همراه می‌سازد و سبب پیدایش نهضت ملی، انقلاب مشروطه، نهضت ملی و انقلاب بزرگ اسلامی ایران و دوم خرداد شده است، وجود دارد؟ باید گفت همچنان برای جامعه ما آن خواسته‌ها حامل پیام و امیدوار است.

وخت از مردم

پیونگیوی ساده‌دل وقصه مذاکرات

دلوایسان می‌گویند نتیجه گذاشتن همه تخم‌مرغ‌های ما در سبد مذاکرات تنها تعلیق در صد بسیار کوچکی از تحریم‌هاست. ظاهراً اینها همه اقرا‌هایی از زبان خود رویاها و گریه‌های طرف مذاکره است که به بیان‌های مختلف و مناسبت‌های متعدد بیان داشته‌اند. وندی شرم‌ن بود که گفت: «اجازه دهید در این‌باره شفاف حرف بزنیم. هیچ معامله بزرگی با ایران وجود ندارد. مذاکرات تنها درباره مسائل هسته‌ای است و تمام تحریم‌های ما علیه ایران درباره حمایت از تروریسم، حقوق بشر و بی‌ثبات‌سازی در خاورمیانه باقی می‌ماند و این داستان برای زمانی بسیار بسیار طولانی باقی خواهد ماند». این افواضات شفاف و دقیق را ما از زبان تروریست‌ترین‌ها، به لجن‌کشانه‌ترین‌های حقوق بشر، به خاک و خون کشانده‌ترین عناصر خاورمیانه و دنیا و دارنده عظیم‌ترین انبارهای سلاح هسته‌ای دنیا شنیدیم. طرف پلید مذاکره ما بارها برای‌مان این‌گونه خط و نشان کشیده است. ملت و مردم به مثابه پدر آژتوی داستان پیونگیو به قدر کافی رنج کشیده و صبری بیشه کرده‌اند. قصه ما نشود غصه کاشتن آنچه داشتیم به آرزوی برداشتن بیشتر و در نهایت به‌باد دادن هرچه داشته‌ایم. نشود آرزوی رسیدن به آرمان شهر دروغین و در پایان تحقیرمان.



نقد جنبش اجتماعی دوم خرداد

سیدعلیرضا حسینی بهشتی؛ اصلاح‌طلبان هم امروزه نیازمند انتقاد متصفانه و عالمانه کارنامه خود هستند، در این‌باره، گفتنی‌ها کم نیست، اما مهم‌ترین پرسشی که باید برای یافتن پاسخ آن تلاش کرد، ضعف‌هایی است که موجب فراهم شدن زمینه ظهور پوپولیست‌های عوام‌زده و عوام‌فریبی شد که پس از دوره اصلاحات، توانستند ششت سال کشور را شتابان به لبه پرتگاه سقوط بکشانند. شاید یکی از مهم‌ترین علل رشد این جریان مخرب را باید در تداوم سیاست‌های اقتصادی دوره سازندگی در دوره اصلاحات جست‌وجو کرد. کم‌توجهی به معضلات ناشی از عدم استقرار نظام همکاری اجتماعی عادلانه، در کنار عوامل دیگری همچون دوری‌گزینی از جنبش اجتماعی و دلبستگی به سازوکارهای قدرت رسمی، راه را برای شکل‌گیری تحولات بعد هموار کرد. از همین روست که نقد دوره اصلاحات از ضروری‌ترین اموری است که خود اصلاح‌طلبان باید در آن پیشگام شوند.

انتقاد

مصاحبه با محسن هاشمی

راهی جز اتحاد نداریم / نامه به احمدی‌نژاد را خودم نوشتم - مجلس دهم نتوانست از رانت استفاده نکرده‌ام / ترکیب مجلس دهم منحول می‌شود / شعار کارگزاران دوی در ایران است / باید سعی کرد لابی‌جانی هم جذب شود / مشکلات کشور با انتخابات حل نمی‌شود / کسی از اسرار آیت‌الله هاشمی خبر ندارد / هم پدر برای ما هزینه داده هم ما برای پدر/ سانسور خاطرات آیت‌الله هاشمی کم است/ حاق آقا از ما خواسته‌اند به نقدها پاسخ دهیم / اطلاعات آیت‌الله هاشمی از خیلی‌ها بیشتر است / اصلاح‌طلبان جدی بودند، شهرداری را برده بودیم / آیت‌الله هاشمی، انقلاب را از بچه‌هایش بیشتر دوست دارد/ آیت‌الله هاشمی تغییری نکرده به جز کمی فاصله از قدرت/ اگر آیت‌الله هاشمی دست به قلم برد خیلی موارد را می‌تواند بنویسد

آفتاب

مصاحبه با آذر منصوری

ما نمی‌توانیم ظرفیت را خالی بگذاریم، چنانچه واقعیت جامعه ما و واقعیت حضور زنان ما به خصوص در عرصه مشارکت سیاسی این ظرفیت را پر نکند باز هم ناکام می‌مانیم پس یک تلاش دوسویه نیاز است که این اتفاق بیفتد. با توجه به تاکید بسیاری از شخصیت‌های سیاسی اصلاح‌طلب اعم از زنان و مردان اصلاح‌طلب در انتخابات آینده، ما هم شاهد تغییر رویکرد در لیست‌های انتخاباتی خواهیم بود و هم حضور را در این لیست‌ها شاهد شانس حضور زنان در مجلس بیشتر می‌شود. اگر بخواهیم یک روند واقعی‌پناهنه‌ای برای افزایش مشارکت سیاسی حتی در حوزه افزایش مشارکت سیاسی زنان، تعریف کنیم اتفاقا از مسیر احزاب است که باید این مسئله تحقق یابد کند.

بازپس‌گیری خرمشهر به چند روایت

روز آزادی

«ممد نبودی بیینی شهر آزاد گشته، خون یارانت پرترم گشته»؛ این را می‌خواندند و سینه می‌زدند؛ سینه می‌زدند و گریه می‌کردند، گریه می‌کردند و در نبود دوستانشان و به یاد آنها «آه و وایلا» می‌گفتند؛ به یاد آنها که ۳۵ روز پایداری کردند و بر زمین افتادند تا زمینشان دست دشمن نیفتد. به یاد آنها که «خرمشهر» را با خونشان «خونین‌شهر» کردند. در ۵۷۸ روز اشغال خرمشهر خونشان بر زمین ریخته شد. به یاد آنها با ۲۴ روز عملیات «بیت‌المقدس» نگذاشتند «خرمشهر» لانه «کرکس» ها و «شغال»‌ها بماند. به یاد آنها که رؤیای «محمره» «صدام تک‌ریتی» را به گورستان فرستادند. به یاد آنها که نوشته «جننا لنبقی (آمده‌ایم تا بمانیم)» عراقی‌ها روی دیوارهای خرمشهر را به سخره گرفتند و دزدان خاک و ناموس را از خانه بیرون کردند. نخستین دقایق بامداد ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ عملیات «بیت‌المقدس» با رمز «بسم‌الله القاسم الجبارین، یاعلی ابن‌ابی‌طالب» از سوی فرماندهی آغاز شد. از آن روز تا اول خردادما، سه مرحله از عملیات انجام شد. در این سه مرحله بنا بر این بود که قرارگاه «قدس» با عبور از رودخانه کرخه در محور شمالی، قرارگاه «فتح» با عبور از رودخانه کارون و پیشروی به سمت جاده اهواز- خرمشهر در محور میانی و قرارگاه «نصر» با عبور از کارون و پیشروی به سمت خرمشهر در محور جنوبی به فرماندهی قرارگاه مرکزی کرپلا، «خرمشهر» را محاصره کنند و در مرحله چهارم بازگرداندن خرمشهر به ایران. مرحله چهارم عملیات نهایتا پس از سه روز جنگ بی‌امان در سوم خرداد با اخراج متجاوزان از خرمشهر پایان یافت.

روایت صیاد از شب‌های پیش از آزادی

شهید سرلشکر «علی صیادشیرازی» که همراه «محسن رضایی»، فرماندهی مشترک عملیات در قرارگاه کرپلا را برعهده داشت، در مورد روزهای عملیات «بیت‌المقدس» در خاطراتش این‌گونه نوشته: «ما در دو مرحله برای آزادسازی خرمشهر تلاش کردیم؛ یک مرحله‌اش موقع عبور از کنار خرمشهر بود که آمدم حمله کنیم، دیدیم تلفات سنگین خواهیم داد. وضعیت را بررسی کردیم و عکس هوایی گرفتیم، دیدیم دشمن هرگونه تلفات سنگینی خواهیم داد. از خیرش گذشتیم و از کنار خرمشهر عبور کردیم». او در خاطراتش در مورد آخرین روزهای منتهی به فتح خرمشهر گفته بود: «پس از ۲۳ روز رز، حدود پنج هزار کولومتر مربع از خاکمان آزاد شده بود. مردم از پشت جبهه زنگ می‌زدند، تماس می‌گرفتند که پس خرمشهر چه شد! همه منتظر آزادسازی خرمشهر بودند و نمی‌دانستند که چه بر ما می‌گذرد. حتی اگر یک روز هم در جبهه بودی، می‌فهمیدید که ۲۳ شبانه‌روز در معرض آتش‌بودن یعنی چه! ما به فرماندهان فشار آوردیم که به سلمچه‌ی بیابند و خط دشمن را قطع کنند. دوباره دو شب پشت‌سرهم حمله کردیم، تلفات سنگینی به دشمن وارد کردیم، ولی برای قطع‌کردن دشمن موفق نشدیم و تلفاتی هم دادیم».

شهید «صیادشیرازی» نوشته: «شاید منطقی‌ترین پیشنهادی که می‌شد در این شرایط داد، این بود که بگوییم دو ماه به ما فرصت بدهید تا خودمان را آماده کنیم و بعد حمله کنیم به خرمشهر… بنده و فرماندهی کل محترم سپاه (محسن رضایی) نتکسیتیم و روی طرحی کار کردیم و قرار شد من این فرمان را به عنوان فرمان قرارگاه، به فرماندهان ابلاغ کنم. مقرر شد فرماندهان آن طرف جاده اهواز- خرمشهر در سنگری جمع شوند. همه جمع شدند، من سخنرانی و فرمان را ابلاغ کردم و تمام شد. دیدم همه فرماندهان به هم نگاه می‌کنند. سکوت پرمغانایی بود. حاج «احمد متوسلیان» گفت: جناب سرهنگ، ما پیشنهادهایی به شما داده بودیم؛ چرا به آنها توجهی نشد؟ و من گفتم: این فرمان فرماندهی قرارگاه است. او سرش را انداخت پایین. فهمیدم که قانع نشد. نفر بعد سردار شهید «حسین خرازی» بود که گفت: جناب سرهنگ چرا به منطق ما توجه نشده؟ و من دوباره حرفم را تکرار کردم. او هم قانع نشد. سومین نفر ارتشی از آب درآمد. استادی بود از دانشگاه فرماندهی و ستاد جنگ. خیلی مودبانه گفت: جناب سرهنگ ما به شما سه راهکار دادیم. اما در میان آنچه شما گفتید، هیچ‌کدام از این راهکارها نبود. من به او گفتم: جناب سرهنگ، شما استاد هستید؛ مگر نمی‌دانید فرمانده در مقابل راهکارها یا یکی را انتخاب می‌کند و یا هیچ‌کدام را؟ این‌طور جاها فرماندهی هم خیلی خطرناک می‌شود. یک‌دفعه دیدم در آن صف آخر سردار سرتیپ «رحیم صفوی» دارد می‌خندد، بدون آنکه حرفی بزند. خنده‌اش هم مصنوعی بود. دیدم صحنه یک‌طور دیگر شد. یک‌دفعه «حاج‌احمد (متوسلیان)» برگشت و گفت: چرا می‌خندی؟ مثل اینکه چیز دیگری می‌خواهی بگویی. «صفوی» گفت: معذرت می‌خواهم. سوت‌فحam نشود، اما ما تابع دستور هستیم. تا آمدم از او تشکر کنم، «حاج‌حسین (خرازی)» هم حرف او را تکرار کرد و من ناخودآگاه گفتم پس چرا معطل هستید. وقت نداریم».

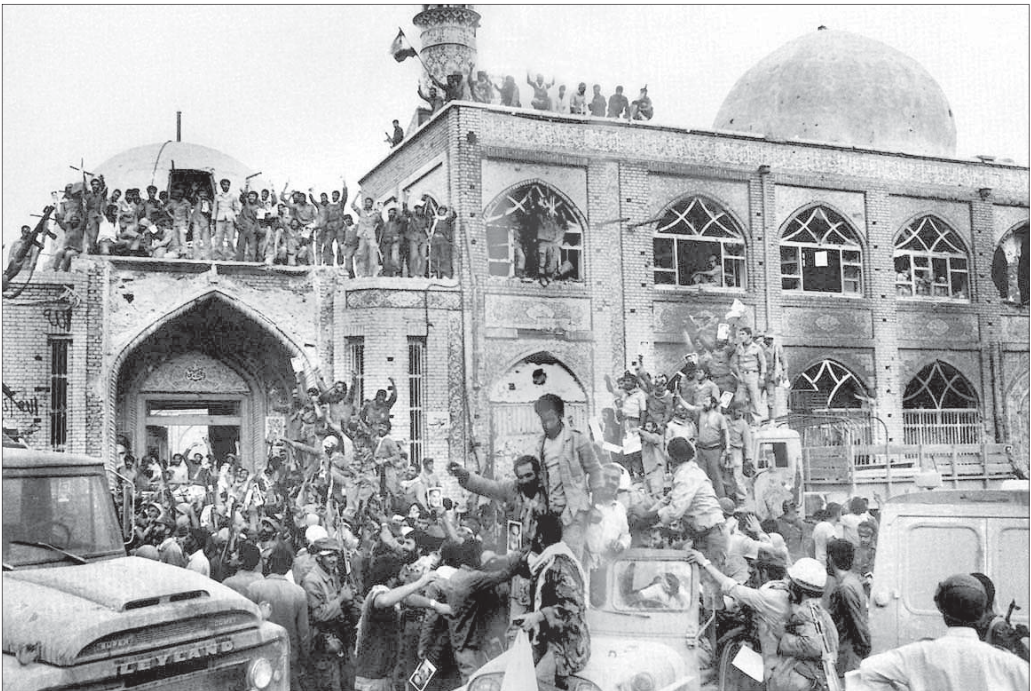
روایت دشمن

اوضاع پیچیده بود. ایرانیان پشت دروازه‌های خرمشهر بودند و دشمن هم داخل شهر. ژنرال «وفیق السامرائی»، رئیس اداره اطلاعات ارتش عراق در زمان جنگ، در کتاب خاطرات خود با نام «یورانی دروازه شرقی» می‌نویسد: «ساعت ۱۰ شب ۲۳ یا ۲۴ می‌۱۹۸۲ (دوم یا سوم خرداد ۱۳۶۱) در فضای باز حوالی سد «الدامه» مستقر شدم. این سد با آغاز حمله ایرانی‌ها، اساسی‌ترین خط دفاعی خرمشهر بود. شاهد تیراندازی‌های متقابل بودم. هنوز چیزی از شب نگذشته بود که تیراندازی‌ها قطع شد. یقین کردم که مقاومت مدافعان درهم شکسته است و نیروهای ایرانی دیواره دفاعی سد را در هم شکسته‌اند و تا رسیدن به ارونردو، به پیشروی خود ادامه می‌دهند. خرمشهر و اطراف آن و نیروهای مدافع به محاصره افتادند. صدها نفر از افسران و سربازان، مجبور شدند خود را به درون ارونردو بیندازند. عرض این رودخانه بیش از ۶۰۰ متر بود. سربازان برای نجات از اسارت و رسیدن به کرانه دیگر، خود را به رودخانه انداختند. تعداد زیادی از آنها در مرکز رودخانه غرق شدند. هنگامی که این خبر به صدام رسید، به لشکر هفت پیاده به فرماندهی سرلشکر ستاد «میسر ابراهیم‌الجیوری» که در آن هنگام سرتیپ ستاد بود، دستور داد محاصره شهر را در هم بشکند و نیروها را مستقر کند، وگرنه او و اعضای ستاد لشکر، همگی اعدام خواهند شد».

او ادامه داد: «با توجه به موازنه قوای موجود و وضعیت روحی نیروها، این خواسته غیرممکن بود. لشکر هفت در دستبایی به هرگونه پیشروی‌ای ناکام ماند و برای اولین‌بار صدام در اجرای حکم اعدام در صحنه جنگ تردید به خود راه داد و در اعدام فرمانده این لشکر، یعنی سرلشکر ستاد «صالح القاضی»، فرمانده لشکر سوم زرهی، سرتیپ ستاد «جواد اسعد شیتنه»، سرتیپ «نزار التنبشندی» و سرهنگ «عبدالهادی» از تیپ ۴۱۲ پیاده درگ کردند».

سرهنگ «کامل‌جابر»، از فرماندهان ستادی لشکر سوم عراق، در مورد روزهای بیرون‌شدنشان از خرمشهر می‌گوید: «ساعت هشت بامداد ۱۳/۵/۱۹۸۲ (دوم خرداد ۱۳۶۱) نیروهای ایرانی از دو محور اصلی در

سیاست



کردان می‌کنجد و به همین دلیل ایرانی‌ها توانستند مقاومت ما را بشکنند و به مقر تیپ برسند… رزمندگان ایرانی، در تاریخ ۲۳ می ۱۹۸۲ (۲۸ خرداد ۱۳۶۱) وارد خرمشهر شدند و به تعقیب عراقی‌ها پرداختند… در تاریخ ۲۴ می(سوم خرداد)، افسران و سربازان ما خود را به ایرانی‌ها تسلیم کردند و در همان روز، بیش از ۱۳ هزار نفر اسیر شدند».

روز فتح

شهید «صیاد شیرازی» هم فتح خرمشهر توسط نیروهای ایرانی در سوم خرداد را این‌طور روایت می‌کند: «ساعت هفت صبح بود که شهید خرازی پشت بی‌سیم با هیجان ما با تماس گرفت و گفت ما توانسته‌ایم حدود ۷۰۰ نفر نیرو جمع‌آوری کنیم و اجازه می‌خواست که از طرف پل، خاک‌ریزی به طرف عراقی‌ها بزنم. ما آمدم بگویم نه، ولی به خرازی گفتم اجازه بدهید که مشورت کنیم. در ستاد جنگ نیز وقتی پیشنهاد را مطرح کردم هیچ‌کس نظر مثبتی نداشت، همه می‌گفتند اگر این عملیات نگرفت، ۷۰۰ نفر را از دست می‌دهیم. آمدم تماس بگیرم با شهید خرازی و بگویم این کار را نکنند، دیدم که او زودتر تماس گرفته و پرسیده که سرانجام مذاکره چه شد؟ آمدم بگویم که نمی‌شود که گفت دارد وقت می‌گذرد و ما همان‌جا تصمیمی گرفته‌ایم، من هم گفتم جلو بروید. نیم‌ساعت بیشتر طول کشید که سروصدای بی‌سیم بلند شد، گفتم حتما گیر افتاده‌اند. بی‌سیم را روشن کردم، دیدم شهید خرازی می‌گفت که هر چه جلو خود را نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که عراقی‌ها دست خود را بالا گرفته‌اند، چه کار باید کنیم؟ من فهمیدم منظور او چه چیزی است. چون نیروهای عراقی زیاد بودند و نیروهای او کم بودند و نمی‌توانستند نیروهای عراقی را کنترل کنند».

شهید «صیاد شیرازی» که در آن زمان از این موضوع غافلگیر شده بود، پیشنهاد کرد یک هلی‌کوپتر بالا برود و ببیند که عمق نیروهای عراقی تا کجاست؟ او می‌گوید یکت در خلبان دیده‌هایش را با این جملات توصیف کرد: «تا چشم من کار می‌کند تمام عراقی‌ها در خیابان‌های خرمشهر دستان خود را بالا برده‌اند، سرلشکر «صیاد شیرازی» ادامه می‌دهد: «نمی‌شد به اسیران عراقی بگویم که شما فعلا در سنگر بروید که ما نیرو جمع‌آوری کنیم و بعدا شما را ببریم و بازداشت کنیم. در نهایت خدانود این را به ذهن ما رساند که همه رزمندگان یی خط شوند و یک قسمت آنها به طرف رودخانه و قسمت دیگر آنها به طرف جاده خرمشهر تقسیم‌بندی شوند و با دست به سربازان عراقی علامت دهیم که توی جاده بروند. ما ماشین نداشتیم که با ماشین ببریمشان، باید پیاده می‌رفتند. البته چون در منطقه خودمان حرکت می‌کردند، خیالمان راحت بود، در این عملیات برخلاف معمول که دوست داشتیم اسیر زیادی از دشمن بگیریم، این دفعه دوست داشتیم بگویند که اسیران عراقی تمام شده است».

اعدام پس از شکست

خرمشهر از چنان موقعیت استراتژیکی‌ای برای صدام و عراقی‌ها برخوردار بود که دیکتاتور عراق آن را «خاکریز بصره» لقب داده بود. شاید به‌همین دلیل است که اکثر فرماندهان و ژنرال‌های عراقی از مجموعه حمله و ضدحمله‌ها برای آزادی خرمشهر، با نام «نبرد بصره» یاد می‌کنند. یکی از فرماندهان ارتش عراق در مصاحبه‌هایی که با «گروه تحقیق ۱۹۴۶» داشته، زوایای جدیدی از نگاه طرف عراقی را روی مخاطب باز می‌کنند. هرچند آنها وقتی در مورد سرزمین ایران سخن می‌گویند، از همان ادبیات «صدام» استفاده می‌کنند ولی در گفته‌هایشان برخی نکات جالب‌توجه است.

سپهبد «عرمجدید رشید حمدانی»، از افسران ارشد ارتش عراق در زمان جنگ، در این مجموعه مصاحبه‌ها که تحت عنوان کتاب «جنگ ایران و عراق از نگاه فرماندهان عراقی» منتشر شده، در مورد پس‌لرزه‌های شکست ارتش عراق در عملیات آزادسازی خرمشهر گفته که «الدوری هیچ‌گاه برای اقداماتش مواخذه نشد و پس از فرماندهی لشکرهای نهم و دوازدهم به لشکر سه زرهی منتقل شد. صدام می‌خواست او را در جایگاه فرماندهی نگه دارد، زسرا او را فردی شجاع می‌دانست… الدوری در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) اندکی پس از آنکه لشکر سه زرهی در نبردی سنگین شکست خورد و فرمانده آن به نام «جواد شیتنه» اعدام شد، به فرماندهی این لشکر منصوب شد. «جواد شیتنه» پس از (شکست عراقی‌ها) در نبرد محمره (خرمشهر) در حوالی رود کارون، به همراه «صلاح القدحی»، فرمانده سپاه سوم عراق، اعدام شدند».

او در مورد انهدام سپاه سوم عراق می‌گوید: «شیتنه فرمانده نخبه‌ای بود که قربانی طرح‌ریزی راهبردی ضعیف فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق شد. او افسر عیاده بود نه افسر زرهی و به‌همین‌خاطر برای مقابله با ایرانی‌ها از تاکتیک استفاده می‌کرد که طرح مناسبی بود. ولی تعداد، استعداد و توانمندی‌های دشمن (ایران) بسیار بیشتر از آن بود که او بتواند مدیریت کند».

«حمدانی»، رزمندگان ایرانی را این‌طور توصیف می‌کند: «نیروهای ایرانی، نیروهای نامتعارف و پرتعدادی بودند که روحیه بالایی داشتند. آنها عملیات عبور از رودخانه را که بسیار خوب طراحی کرده بودند، در تارکیی شب آغاز کردند و به این ترتیب در موج اولیه حملاتشان توانستند سرب‌های متعددی (در امتداد کرانه‌های ارونردو) ایجاد کنند». سخنان او را، سرلشکر «علاءالدین حسین‌مکی‌خمس»، رئیس ستاد سپاه سوم عراق هم در مورد برخورد صدام با فرماندهان حرفه‌ای «حمدان» تأیید می‌کند».

زلزله در ارتش عراق

اوج زلزله در ارتش عراق، پس از آزادسازی خرمشهر توسط رزمندگان ایرانی را «حمدانی» این‌گونه روایت می‌کند: «در جولای ۱۹۸۲ (تیر ۱۳۶۱) یک دادگاه نظامی صحرایی غیرعلنی در بصره تشکیل شد. وزیر دفاع، عزت ابراهیم‌الدوری، معاون سیاسی صدام، رهبران حزب (بعث) و چندین نفر از اعضای ستاد فرماندهی نیروهای مسلح (عراق) که عمدتا از وابستگان صدام بودند در این دادگاه که شبیه دادگاه ویلهلم کایتل و هیتلر بود، شرکت داشتند. جلسه محاکمه هم مملو از داد و فریاد و خجش و ناسزا بود.

ادامه در صفحه ۷

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

اطلاعات

- «رایس» در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی العربیه عنوان کرد: واشنگتن هیچ‌گونه مخالفتی با نقش ایران در عراق ندارد- وی از ایران خواست نقشی مثبت همراه با شفافیت که منجر به ثبات در عراق شود، ایفا کند
- ساختار طرح انتقال گاز ایران به پاکستان تصویب شد
- رئیس‌جمهوری در دیدار اعضای جبهه پیروان خط امام و رهبری عنوان کرد- اعلام آمادگی ایران برای تعامل و گفت‌وگو درباره بهبود اوضاع منطقه و جهان
- در آستانه سفر به آلمان- اعضای تیم ملی فوتبال با رئیس‌جمهوری دیدار می‌کنند
- صفارهرندی، وزیر ارشاد: برخورد جدی با عوامل انتشار مطلب اهانت‌آمیز درباره آذری‌زبان‌ها صورت گرفت- «این مطلب که روز جمعه در تیرازی محدود، یک‌هجم تیراژ عادی روزنامه ایران منتشر شد، منجر به اتفاق‌هایی شد که باید به‌خوبی بررسی شود» «با ملاحظه این مطلب موضوع به معاونت مطبوعاتی ارجاع و بعد از تماس با روزنامه، فرد خاطی از کار برکنار شد و سردبیر روزنامه هم به‌واسطه سهل‌انگاری مورد توبیخ جدی قرار گرفت»



- دبیرکل خانه مطبوعات زنجان: احمدی‌نژاد از آذری‌زبانان ایران عذرخواهی کند
- سخنگوی دولت در جمع خبرنگاران: دولت تعبیر الهام خادوندی را از نامه احمدی‌نژاد ندارد- «پیشنهادهای حمایت از شوراهاست
- اعضای شوراها تهدید به استعفا کردند- دولت نهم به‌دنبال حذف شوراها- عضو شورای اسلامی شهر قم، «با تصویب این لایحه یک فرد می‌تواند تمام تصمیمات یک نهاد را ووتو کند و درواقع شورا دیگر شورا نیست»
- در میانه اختلاف بین دولت و شوراییعالی استان‌ها اعلام شد- پیششاه محسن رضایی برای واگذاری نظارت شورای نگهبان بر انتخابات‌ها

ایران

- سخنگوی دولت در جمع خبرنگاران: دولت به خصوصی‌سازی واقعی ملتزم است- دولت در مبارزه با مفاسد اقتصادی با کسی رودریاستی و تعارف ندارد- نمی‌توان نقش عنايات و الهامات الهی را در موفقیت‌های کشور کتمان کرد
- معاون اول رئیس‌جمهوری در سومین جشنواره تنوع‌زیستی: شاهد تحولات چشمگیری در حوزه محیط زیست خواهیم بود
- از سوی بانک مرکزی و شرکت ملی نفت- درآمد نفتی ایران در سال گذشته ۴۵میلیارد و ۶۱۵میلیون دلار اعلام شد
- سرمایه‌گذاری پنج میلیارد دلاری فرانسه در بخش نفت و گاز عربستان
- وزارت بازرگانی موافقتنامه تجارت ترجیحی بین کشورهای عضو دی ۸- (گروه هشت کشور اسلامی در حال توسعه) را امضا می‌کند



- بنیاد صنعت در گفت‌وگو با اسحاق جهانگیری- نمی‌توانند سیاست‌ها را تغییر دهند- «استراتژی کبلیوی نیست که کسی نباید جزوات استراتژی را نصف کند و بگوید از ۵۰۰صفحه مثلا ۲۵۰صفحه قابل استفاده است»
- عبدالله مؤمنی: نتیجه اصلاحات به‌نفع اصلاح‌طلبان نبود
- شورای هماهنگی اصلاحات تصویب کرد: گسترده‌ترین ائتلاف اصلاح‌طلبان در خبرگان
- روحانی، هاشمی و نورمفیدی در لیست [ابتدایی] مجمع روحانیون مبارز

کیمیان

- یادداشت روز- محمد ایمانی- راه رخته را ببندیم- «هاشمی در جبهه ارادتمندان اسلام و نظام است همچنان که کرویسی و خاتمی و همچنین که مصباح‌بیزدی و مهدوی‌کنی، اختلاف‌سلیقه‌ها هم در جای خود محفوظ. اما هرگز نباید از یاد برد که دین و ملت دشمنانی بزرگ دارد و آنان قبل از هرچیز به خون روحانیت تشنه‌اند و هرگز با این نهاد آشتی نخواهند کرد.
- پس هم در پیوندها و رفاقت‌ها بیشتر ملاحظه کنیم و هم در طردها و نفی‌ها و جبهه‌بندی‌ها
- تشریح مصوات اقتصادی دولت از زبان سخنگوی دولت- غلامحسین الهام: قیمت مصرفی برق در استان‌های خوزستان، سیستان‌وبلوچستان و هرمزگان در ماه ۹ از سال با قیمت گرمسیری محاسبه خواهد شد- ازاین‌پس دانشجویان ایرانی خارج از کشور می‌توانند سالی دوبار با استفاده از بلیط هواییمایی جمهوری اسلامی ایران با ۵۰درصد تخفیف به وطن سفر کنند- دولت طرح اتصال راه‌آهن عراق و ایران در نقاط مرزی شلمچه و خسروی را تصویب کرد
- در دیدار «ون جی‌پانگ» با صدراعظم آلمان عنوان شد- چین: در تحریم ایران با غرب همراه نمی‌شویم